



ساماندهی فعالیتهای فرهنگی دستگاهها و نهادهای دولتی فرهنگی

پژوهش ساماندهی فعالیتهای فرهنگی دستگاهها و نهادهای دولتی فرهنگی در سال ۱۳۸۴ توسط سید احمد حسینی و تحت نظارت افشار امیری انجام شده است. کارفرمای این پروژه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

مهمترین یافتهها و نکات قابل توجه این پژوهش عبارتند از:

افزایش ردیفهای بودجه فرهنگی در طی سالیان بعد از انقلاب یکی از مهمترین نتایج این بررسی است. در حالی که در سال ۱۳۵۹، تنها ۵ ردیف برای سازمانهای فرهنگی وجود داشت و این ردیفها در بودجه سال ۱۳۷۲ به ۷ ردیف رسیده بود اما در بودجه سال ۱۳۷۹، ۴۹ ردیف برای تخصیص بودجه به دستگاهها و نهادهای فرهنگی ذکر شده بود. به تعبیر این پژوهش در سالهای پس از انقلاب به صورت سالیانه و مرتبه بودجه دستگاههای فرهنگی از حیث مطلق و نسبی افزایش داشته است. (صفحات ۲۴۳ و ۲۴۴)

نتیجه نظرسنجی از کارشناسان و خبرگان شاغل در نهادهای فرهنگی نشان می دهد ۴۳ درصد ایشان از فعالیتهای اجرایی دولت در حوزه فرهنگ دفاع می کنند اما ۵۷ درصد هیچ گونه نقش اجرایی برای حکومت در حوزه فرهنگ قائل نیستند. (صفحه ۲۴۸)

پاسخگویان در پاسخ به پرسشی با این مضمون که در صورت لزوم ورود به وظایف فراتر از حوزه ستادی انجام چه اموری را برای حکومت صحیح می دانید، ۴۰ درصد به گزینه سرمایه گذاریهای بالاسری و ظرفیت سازی اقتصادی و ۲۷ درصد به حمایت مالی مستقیم و ویژه از مناطق محروم رأی داده اند و تنها ۱۶ درصد حمایت و حضور همه جانبه در حوزه فرهنگ را انتخاب نموده اند. (صفحه ۲۵۲)

در مورد متولی ستادی اصلی و محوری در حوزه فرهنگ ۶۰ درصد شورای عالی انقلاب فرهنگی را انتخاب نموده اند. ۲۴ درصد به هیئت دولت نظر مثبت داشته اند و ۱۳ درصد نیز شورای متشکل از روسای مراکز فرهنگی را انتخاب کرده اند. (صفحه ۲۵۳)

در بحث موازی کاری ۵۳ درصد از پاسخگویان موازی کاری را تنها در حوزه ستادی مضر دانسته اند و در مقابل فقط ۱۳ درصد ایشان موازی کاری در اجرا و موازی کاری نامطلوب ارزیابی نموده اند. (صفحه ۲۵۵)

پاسخگویان به اتفاق آرا نیاز به بازتعریف و سازمان دهی مجدد خدمات فرهنگی در کشور را ضروری دانسته و از منظر ایشان سه حوزه که در اولویت قرار دارد عبارتند از: پژوهش، آموزش و تبلیغات دینی، امور رسانه های همگانی و امور مساجد و اقامه نماز. (صفحه ۲۵۶)

به اعتقاد ۶۰ درصد پاسخگویان در هر استان و شهرستان تنها یک سازمان واحد فرهنگی باید وجود داشته باشد. (صفحه ۲۵۶)

پاسخگویان درباره حوزه‌هایی که حکومت باید به انجام امور اجرایی در حوزه فرهنگ بپردازد، به ترتیب زیر اظهارنظر نموده‌اند:

۳۳ درصد امور فرهنگی که مردم قادر به انجام آن نیستند، ۲۳ درصد امور فرهنگی مرتبط با مناطق محروم، ۱۴ درصد فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور. (صفحه ۲۵۸) نکته جالب آنکه این سه گزینه که مجموعاً پاسخ ۷۰ درصد از پاسخگویان را در برمی‌گیرد یک نقطه مشترک دارند و آن عدم امکان اقدام مردمی در آن حوزه است.

برای متصدی انجام امور فرهنگی در خارج کشور، ۵۰ درصد پاسخگویان به وزارت خارجه متمایل هستند و ۱۷ درصد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مناسب می‌دانند. (صفحه ۲۵۹)

- برای مقابله با موازی کاری ۵۰ درصد پیشنهاد تخصیص بودجه امور فرهنگی از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد را داده‌اند و ۳۷ درصد نیز انجام این کار را توسط نهاد ریاست جمهوری مطلوب ارزیابی می‌کنند. (صفحه ۲۶۰)

اکثریت پاسخگویان معضلات مربوط به نهادهای فرهنگی دولتی را ساختاری ارزیابی می‌کنند. ۷۰ درصد از پاسخگویان درباره حل معضلات گفته‌اند که پیش از بازنگری در ساختار و وظایف نهادهای فرهنگی دولتی، هرگونه تحول در منابع انسانی بی‌فایده است. (صفحه ۲۶۲)